

می گویند که عالم ذر عالم عقل است. در آن عالم ما یک ذره ای بودیم و عقل های ما آنجا بود. برای همین خدا می فرماید که فقط یاد آوری کن اینها آموزش دیده اند.

هر کسی که در آن دنیا بلی را گفته و آزمایشات را رد کرده در این دنیا طبق آن آفریده می شود و آزمایش اصلی رد شدن از آتش است که شیعیان از آن رد شدند. و کسانی که در آنجا به انسانیت نرسیدند حیوان می شوند تا دوباره سبک را طی کنند و آدم شوند.

کسانی که همراه حضرت نوح بودند چه کسانی بودند؟ طوفان حضرت نوح زمینی بود یا نه؟ ویژگی های این قوم چیست؟ هبوط داستان حضرت نوح چیست؟

می شود گفت که این طوفان در تمام عوالم بوده نه فقط در زمین. خداوند به حضرت نوح می گوید که تو به همراه امت هایی که همراه تو هستند پیاده شو و کلا در این کشتی هشت نفر یا هشتاد نفر هستند و امت ها یعنی چه که برخی می گویند که نور و عقل این افراد در کشتی حضرت نوح بوده است. یعنی در عالم ذر هم یک پاکسازی صورت گرفته.

هبوط... معجزه حضرت نوح چیست؟ کسی چیزی در این باره شنیده است و به نظر می رسد که مردم آن زمان عوالم را می دیده اند و خدا می فرماید که در آسمان ها نگاه کنید و تفکر کنید که چه است ولی به قوم حضرت نوح می گوید که چرا نگاه نمی کنید ولی آنها لجباز بودند و حاضر نمی شدند که قبول کنند و بعد از آن آسمان ها هم طبقه طبقه شد. هبوط دوم بسته شدن آسمان است و به نظر می رسد که این هبوط ها برای این است که عقل ها کامل شود. (به نظر آقا اگر سقیفه هم نبود باز هم دوران غیبت باید داشته باشیم تا مردم عقلشان کامل شود و این را نشان دهند) این پرده ها هنگامی کنار می روند که ما سختی کشیده باشیم

کشتی حضرت نوح به احتمال زیاد در مسجد کوفه به زمین نشت

به نظر می رسد که تمام مردم در یک جا زندگی می کردند و بعد از آن است که مردم در زمین پخش می شوند. (از طرفی هم عذاب شدند)

حضرت ابراهیم

از کار های مهم حضرت ابراهیم این است که با بت پرستی جنگید و نمرود هم گفت که بیایید کاری با ابراهیم بکنیم که کسی دیگر جرئت پیدا نکند با بت پرستی مخالفت کند. شیطان خودش آمد وسط و گفت که منجنیق بسازید و ابراهیم را در آن اندازید در حالی که تمام مردم جمع شده اند و صحنه را می بینند که گفته می شود خود شیطان اولین بار منجنیق را ساخت بعد شیطان به حضرت ابراهیم می گوید که اگر از من کمک بخواهی به

تو کمک می کنم و بعد از آن جبرئیل می آید و می گوید که به این پنج تن قسم بده که بعد از آن آتش گلستان می شود.

نمرود گفت که اگر خدا در آسمان است ما آن را می کشیم به بالای برج رفت و تیری به آسمان زد و گفت که خدا را کشتم و در همان حال بود که عذاب آمد و برج خراب شد و بعد از آن است که مردم دارای زبان های مختلف شدند.

یک مگس به مغز نمرود رفت و هر کاری کردند بیرون نیامد که بعد از آن یک چکش ساختند و با آن به سر نمرود می زدند تا آرام شود و آنقدر زدند تا نمرود مرد.

حضرت ابراهیم به همراه اقوامش که حضرت لوط هم بین آنها بود به سمت فلسطین رفتند.

حضرت ابراهیم نشسته بود و خدا آمد پیش ابراهیم و گفت که پاشو بریم یک جایی و خدا گفت که می خواهم آنها را از بین ببرم و ابراهیم گفت که اگر در بین این هزار نفر صد نفر خوب باشند آنها را عذاب می کنی که خدا می گوید نه و همین طور ابراهیم عدد را کم می کند تا به یک می رسد و حضرت ابراهیم می گوید که لوط هست و عذاب نمی شوند (تورات)

قوم لوط خیلی قوم خوبی بودند و آماده بودند و شیطان خودش وارد می شود و خود را به شکل یک جوان در می آورد و می گوید که این کار همجنس بازی از سنت های فراموش شده است و بار اول هم خودش مفعول می شود و این کار در بین آنها رواج پیدا کرد و داغون شدند و غرور آنها کار دستشان داد.

وقتی مردم آمدند که این ملائک را به ما بده و لوط به آن ها گفت که دختران من هستند ولی آنها قبول نکردند و دل لوط خیلی شکست و گفت که این کاش یا قدرت داشتم و مقابله می کردم یا یک رکنی داشتم که به آن پناه می بردم سوره هود آیه ۸۰